مسئله ۱: نجاست میته ذی النفس (غیر انسان)

حضرت امام می‌نویسند که حکم به نجاست مذکور مورد اجماع فقهاست و نقل اجماع درباره آن به سرحدّ استفاضه رسیده است:

«فقد استفیض نقل الإجماع علی نجاسة میتة ذی النفس . وعن «المعالم»: «قد تکرّر فی کلام الأصحاب ادّعاء الإجماع علی هذا الحکم، و هو الحجّة؛ إذ النصوص لا تنهض بإثباته» ثمّ ذکر بعض الروایات، وناقش فی سنده ودلالته فی إفادة الحکم بکماله. وعن «المدارک» المناقشة فی أصل الحکم؛ لفقدان نصّ علی نجاستها، وناقش فی دلالة ما امر فیها بالغسل ونهی عن الأکل علی النجاسة، ثمّ ذکر روایة «الفقیه» النافیة للبأس عن جعل الماء ومثله فی جلود المیتة ، مع تصریح الصدوق رحمه الله فی أوّله: «بأنّ ما أوردته فیه هو ما أفتی وأحکم بصحّته، وأعتقد أنّه حجّة بینی وبین ربّی» . ثمّ قال: «والمسألة قویّة الإشکال»»[1]

توضیح:

۱. صاحب معالم عمده دلیل را اجماع می‌داند و می‌نویسد روایات توان اثبات این حکم را ندارد

[1] . کتاب الطهارة (امام خمینی)، ج۳، ص۶۷

۲. همچنین صاحب مدارک (محمد بن علی عاملی) در اصل حکم به نجاست خدشه کرده است و گفته روایاتی که حکم به غسل میته و یا نهی از اکل آن کرده است، نمی‌تواند دال بر نجاست باشد.

۳. صاحب مدارک همچنین به روایتی از صدوق اشاره کرده که می‌گوید اشکالی ندارد که آب را بر روی پوست میه قرار دهیم

٤. اما به نظر حضرت امام، نه به سبب اجماع بلکه به سبب روایات متعدد حکم به نجاست میته ذی النفس (غیرانسان) می‌کنند و می‌نویسند کمتر مسئله‌ای به این اندازه دارای روایت است.

ما می‌گوییم:

۱. کلام حضرت امام از صاحب مدارک ظاهراً برگرفته از مفتاح الکرامه است (چنانکه شیخ انصاری هم چنین است) مرحوم سید محمد جواد عاملی صاحب مفتاح الکرامه درباره این بحث می‌نویسد:

«نقل الإجماع على عدم الفرق بين ميتة الآدمي و غيره من ذي النفس في ظاهر «الطبريّات » و صريح «الغنية و المعتبر و المنتهى و نهاية الإحكام و التذكرة و الذكرى و كشف الالتباس و الروض و الدلائل و الذخيرة و شرح الفاضل ». و ربما ظهر من «الخلاف » طهارة ميتة الماء. و لعلّه محمول على الغالب من كونه غير ذي نفس و إلّا فقد قال في «التذكرة » إنّ ميتة ذي النفس من المائي نجسة عندنا. و في «المدارك » أنّ المسألة قويّة الإشكال و انّه لم يقف على نصّ يعتدّ به يدلّ على النجاسة، ثمّ استظهر أنّ عدم التنجيس مذهب الصدوق، لأنّه روى : «أنّه لا بأس بجعل اللبن و السمن في جلود الميتة» و قد قال إنّه يعمل بكلّ ما يرويه. و قال الأُستاذ الآقا أيّده اللّه تعالى: و لا شكّ أنّ الصدوق عدل عن العمل بكلّ ما يرويه و كم له من رواية نقطع بأنّه غير عامل بها. ثمّ إنّ في هذه الإجماعات بلاغاً، مضافاً إلى الإجماعات في مباحث نزح البئر و نجاسة المياه القليلة، إلى غير ذلك ممّا سيجيء بحول اللّه و قوّته في حكم الجزء المبان، بل كادت تكون المسألة ضروريّة و لم ينقل أحد عن الصدوق خلافاً في ذلك.»[1]

۲. مرحوم خویی هم درباره آنچه از صاحب معالم و صاحب مدارک خواندیم می‌نویسد:

«و الإنصاف أنه لم ترد في شيء من أعيان النجاسات بمقدار ما ورد في نجاسة الميتة من الأخبار كما اعترف بذلك المحقق الهمداني (قدس سره) و من العجيب ما نسب إلى صاحب المعالم (قدس سره) من أن العمدة في نجاسة الميتة هو الإجماع و قصور الأخبار عن إثبات نجاستها ، و أعجب من ذلك ما حكي عن صاحب المدارك (قدس سره) من المناقشة في نجاسة الميتة بدعوى انحصار

[1] . مفتاح الكرامة (ط-الحديثة)، ج۲، ص۱۵

مدرک القول بنجاستها فی الإجماع، و استظهر عدم تمامیة الإجماع فی المسألة، و خروجاً عن وحشة التفرد فیما ذهب إلیه نسب القول بطهارة المیتة إلی الصدوق (قدس سره)، لأنه روی مرسلاً عن الصادق (علیه السلام) «أنه سئل عن جلود المیتة یجعل فیها اللّبن و الماء و السمن ما تری فیه؟ فقال: لا بأس بأن تجعل فیها ما شئت من ماء أو لبن أو سمن و تتوضّأ منه و تشرب، و لکن لا تصلّ فیها» و قد التزم فی أوائل کتابه أن لا یورد فیه إلّا ما یفتی و یحکم بصحته و یعتقد أنه حجة فیما بینه و بین اللّه تعالت قدرته، و بذلک صح إسناد القول بطهارة المیتة إلیه، و فیه: أوّلاً: أن الدلیل علی نجاسة المیتة غیر منحصر فی الإجماع فإن الأخبار فی نجاستها کثیرة بل متواترة.

و ثانیاً: أن نجاسة البول مما لا مناقشة فیه عنده (قدس سره) و هی إنما استفیدت من الأمر بغسل ما أصابه، و معه فلما ذا لا یلتزم بنجاسة المیتة فی المقام؟ و قد ورد فی غیر واحد من الأخبار الأمر بغسل ما أصابته المیتة برطوبة.»[1]

توضیح:

مرحوم صاحب مدارک چگونه نجاست بول را از امر به غسل استفاده کرده است ولی در ما نحن فیه، از امر به غسل نجاست میته را استفاده نمی کند.

ما می‌گوییم:

قبل از طرح روایات، لازم است به نکته مهمی که در کلام صاحب مدارک مطرح شده و آن انتساب طهارت به صدوق است اشاره کنیم.

[1]. التنقیح، ج۲، ص۴۲۰